

سید محمد علی کشاورز صدر

وزیران ایرانی محبوس و مقتول

از حاکمیت امویان تا پایان سلطنت شاه عباس صفوی

با نظارت و مقدمه

دکتر ناصر تکمیل همایون

به اهتمام بشرن کشاورز صدر



انتشارات خجسته

وزیران ایرانی محبوس و مقتول

از حاکمیت امویان تا اواسط دوره صفویه

سید محمدعلی کشاورز صدر

وزیران ایرانی محبوس و مقتول

از حاکمیت امویان تا پایان سلطنت شاه عباس صفوی

با نظارت و مقدمه
دکتر ناصر تکمیل همایون

به اهتمام:
بیژن کشاورز صدر



کتابخانه ملی و اسناد

۱۳۹۷

سرشناسه	کشاورز صدر، محمدعلی، ۱۲۸۸ - ۱۳۵۳.
عنوان و نام پدیدآورنده	وزیران محبوس و مقتول: از حاکمیت امویان تا اواسط دوره صفویه/سید محمدعلی کشاورز صدر
مشخصات نشر	تهران: خجسته، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۳۹۱ص: مصور؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۲۹۷۵-۴۵-۷
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۳۷۱-۳۷۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	نماینه.
موضوع	وزیران -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۲-۱۳ ق.
موضوع	Viziers -- Iran -- History -- 7-18 th century
موضوع	وزیران -- ایران -- سرگذشتنامه
موضوع	Viziers -- Iran -- Biography
شناسه افزوده	کشاورز صدر، بیژن، ۱۳۱۸ - . گردآورنده
شناسه افزوده	تکمیل همایون، ناصر، ۱۳۱۵ - . ناظر، مقدمه‌نویس
رده‌بندی کنگره	DSR ۸۴/ک ۵۴ ۱۳۹۶:
رده‌بندی دیویی	۹۵۵ / ۰۴۲۰۹۲۲:
شماره کتاب‌شناسی ملی	۴۹۵۴۲۴۲:



سید محمدعلی کشاورز صدر
وزیران ایرانی محبوس و مقتول
از حاکمیت امویان تا پایان سلطنت شاه‌عباس صفوی
با نظارت و مقدمه دکتر ناصر تکمیل همایون
به اهتمام: بیژن کشاورز صدر

نسخه‌پردازی و ویرایش نهایی: مریم ایزدی
حروفچینی اولیه و ویرایش: پروین حیدری / حروفچینی مرحله دوم و نهایی: مژگان آرایی‌آذر
طرح جلد: مرتضی شمیس
شمارگان: ۴۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: طاها
چاپ اول ۱۳۹۷
قیمت: ۳۵،۰۰۰ تومان

Email: Khojasteh_press@yahoo.com
Instagram: Khojsteh - pub Telegram: T.me/khojasteh pub
www.persianbook.net فروش الکترونیکی

نشانی: میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید (اردیبهشت)، بین خیابان نظری
و روانمهر، بن‌بست توحید، شماره ۴ واحد ۴ تلفن: ۶۶۴۶۰۲۸۳ فاکس ۶۶۹۵۹۹۲۳

ISBN978-964-2975-45-7

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۷۵-۴۵-۷

پیشگفتار

کتاب *وزیران ایرانی محبوس و مقتول* در گذر سال‌های بحرانی و پرفراز و فرود تاریخ معاصر ایران گردآوری شده است. پدرم زنده‌یاد سید محمدعلی کشاورز صدر که با پایمردی و خلوص بسیار هدفی بزرگ را دنبال می‌کرد تا از بی‌عدالتی و حق‌ناشناسی دورانی پرده بردارد که تا زمانه ما ادامه داشته و پایان راه او، رسیدن به دوران دکتر محمد مصدق، بزرگ مرد تاریخ ایران، بوده است، اما زمانه مجال نداد تا او این دفتر را به سرانجام برساند.

گردآوری مطالب این کتاب که سال‌ها از دست نوشته‌های نویسنده می‌گذرد، کاری بسیار مشکل بود، اما سرانجام با کوشش و پیگیری مداوم به انجام رسید.

با سپاس فراوان از دکتر ناصر تکمیل همایون جامعه‌شناس، مورخ و پژوهشگر معاصر که با مقدمه جامع و محققانه‌ای کوشیده است زوایای گوناگون این کتاب را که گوشه‌هایی از تاریخ سرنوشت رادمردان تاریخ‌ساز این ملک است آشکار کند و با نگاهی موشکافانه به زندگی و گذران نویسنده که سرشار از تلاش خستگی‌ناپذیر بوده، خاستگاه او را مشخص کند و کوشش‌هایش را در راه خدمت به مردم و پایمردی در مبارزات آزادی‌خواهانه او و یاورری بی‌دریغش با دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر تاریخ‌ساز ایران نشان دهد.

بی‌شک انتشار این کتاب می‌تواند راهگشای ایرانیانی باشد که به این سرزمین و تاریخ گذشته آن علاقه دارند.

۶ / وزیران ایرانی...

در پایان از خانم‌ها: پروین حیدری که ویرایش و تایپ اولیه و مریم ایزدی که نسخه‌پردازی و ویرایش نهایی این کتاب را بر عهده داشتند و همچنین مژگان آرائی‌آذر که حروفچینی مرحله دوم را انجام دادند و زحمات فراوان کشیده‌اند، تشکر بسیار دارم.

بیژن کشاورز صدر

تهران ۱۳۹۶

«فهرست»

مقدمه دکتر ناصر تکمیل همایون ۱۳

فصل اول ۲۵

وزیران ایرانی محبوس و مقتول از حاکمیت امویان

تا پایان دوران عباسیان

خواجه عبدالحمید، وزیر مقتول ۲۹

ابوسلمه، پسر سلیمان خلال، معروف به وزیر آل محمد (مقتول) ۳۰

ابراهیم دکوان (محبوس) ۳۴

یعقوب، پسر داود (محبوس) ۳۶

یحیی برمکی (محبوس) ۴۰

فضل برمکی (مقتول) ۴۸

جعفر برمکی (مقتول) ۵۷

پشیمانی هارون الرشید از کشتن جعفر برمکی ۶۳

فضل بن سهل (مقتول) ۶۷

عبدالملک (مقتول) ۷۷

محاكمه افشین (مقتول) ۸۱

عباس بن حسین (مقتول) ۸۷

فتح بن خاقان (مقتول) ۸۸

ابوالحسن علی بن محمد الفرات (مقتول) ۹۱

علی بن عیسی (محبوس) ۹۲

حامد بن عباس (مقتول) ۹۶

اوضاع اجتماعی و طرز تفکر مردم ۹۹

شخصیت علی ابن مقله ۱۰۲

- عمیدالدوله ابوطالب محمد بن مسلمه رئیس الرؤسا (مقتول) ۱۰۳
 اشرف الدین عمیدالدوله محمد بن فخرالدوله (محبوس) ۱۰۵
 ابوالمعالی نحاس اصفهانی (محبوس) ۱۰۷
 مجیرالدوله ابوالقاسم علی بن فخرالدوله (محبوس) ۱۰۸
 فصل دوم ۱۱۱

وزیران ایرانی در دوران سامانیان

- ابوالفضل بلعمی (مقتول) ۱۱۳
 ابوالفضل محمد بن احمد حاکم یا حاتم مصعبی (مقتول) ۱۱۶
 عبدالله عزیز (محبوس) ۱۲۲
 ابوجعفر عتبی (مقتول) ۱۲۳
 ابونصر ابویزید (مقتول) ۱۲۵
 ابوالحسین عتبی (مقتول) ۱۲۵
 فصل سوم ۱۲۹

وزیران ایرانی در دوران آل بویه

- ابوالفتح ابن عمید (مقتول) ۱۳۱
 نصر بن هارون نصرانی (مقتول) ۱۳۲
 ابوعلی خطیر (محبوس) ۱۳۳
 ابن سهلان (مقتول) ۱۳۵
 ابوغالب محمد بن علی فخرالملک ۱۳۶
 صاحب عادل ۱۳۷
 شیخ رئیس ابوعلی سینا (محبوس) ۱۳۷
 ابو عبدالله حسین بن احمد بن سعدان (مقتول) ۱۴۳
 فصل چهارم ۱۴۵

وزیران ایرانی در دوران غزنویان

- ابوالعباس فضل بن احمد اسفراینی (مقتول) ۱۴۷

- خواجه ابوالقاسم احمد بن حسن میمندی (محبوس) ۱۵۰
 حسنگ وزیر (مقتول) ۱۷۳
 خواجه احمد بن عبدالصمد شیرازی (مقتول) ۱۸۷
 ابوبکر بن ابی صالح (مقتول) ۱۸۸
 حسن بن مهران (مقتول) ۱۸۹
 عبدالحمید بن احمد بن عبدالصمد (مقتول) ۱۸۹
 ابوسهل خجندی (محبوس) ۱۹۰
 فصل پنجم ۱۹۱

وزیران ایرانی دوران سلجوقیان

- ابوالفتح رازی (مقتول) ۱۹۳
 عمیدالملک کندری (مقتول) ۱۹۴
 خواجه نظامالملک (مقتول) ۱۹۹
 تاجالملک ابوالغنائم (مقتول) ۲۱۲
 عمیدالدوله جمشید بن بهمنیار (کور شده) ۲۱۵
 مؤیدالملک ابوبکر بن عبیدالله بن نظامالملک (مقتول) ۲۱۶
 مجدالملک قمی (ابوالفضل اسعد) (مقتول) ۲۱۹
 نظامالدین ابوالمحاسن عبدالجلیل بن دهستانی (مقتول) ۲۲۱
 سعدالملک آوجی (مقتول) ۲۲۲
 نظامالملک دوم، احمد بن خواجه نظامالملک (مخلوع) ۲۲۳
 شمسالملک عثمان بن خواجه نظامالملک بزرگ (مقتول) ۲۲۶
 مجیرالدوله؛ مجیرالملک علی بن حسین اردستانی (محبوس) ۲۲۸
 فخرالملک ابوالفتح مظفر بن خواجه نظامالملک (مقتول) ۲۲۹
 ابوالحسن صدرالدین محمد بن فخرالملک بن خواجه نظامالملک (مقتول) ۲۳۲
 محمد بن سلیمان کاشغری معزالدوله (محبوس) ۲۳۴
 ابونصر احمد بن فضل بن محمود کاشی؛ مختصالملک (مقتول) ۲۳۵
 نصیرالدین محمود بن مظفر مروزی (مقتول) ۲۳۷

۲۳۹.....	قوام‌الدین ابوالقاسم درگزینی (مقتول)
۲۴۲.....	کمال‌الملک علی‌بن‌احمد سمیرمی (مقتول)
۲۴۳.....	شرف‌الدین علی‌بن‌رجا (مقتول)
۲۴۴.....	کمال‌الدین محمد خازن (مقتول)
۲۴۶.....	عز‌الملک (مقتول)
۲۴۶.....	شهاب‌الدین ثقة‌الحامدی (مقتول)
۲۴۷.....	عزیز‌الدین اسعد کاشی (مقتول)
۲۴۹.....	فصل ششم

وزیران ایرانی در دوران خوارزمشاهیان

۲۵۱.....	مسعودبن علی ابهری (مقتول)
۲۵۱.....	مجیر‌الملک شرف‌الدین مظفر (مقتول)
۲۵۲.....	شرف‌الملک علی جندی یا شرف‌الدین (مقتول)
۲۵۳.....	فصل هفتم

وزیران ایرانی در دوران مغول

۲۵۵.....	بهاء‌الدین مرغینانی (مقتول)
۲۵۶.....	امیراحمد بناکتی؛ وزیر ختایی (مقتول)
۲۵۹.....	امیر سیف‌الدین بیتکچی (مقتول)
۲۵۹.....	خواجه شمس‌الدین محمد جوینی (مقتول)
۲۸۵.....	جلال‌الدین سمنانی (مقتول)
۲۸۵.....	سعدالدوله یهودی
۲۸۷.....	نفوذ کامل یهودی‌ها در دربار مغول
۲۹۰.....	خواجه غیاث‌الدین محمد
۲۹۲.....	خواجه علاء‌الدین محمد
۲۹۳.....	خواجه صدرالدین احمد خالدی زنجانی (مقتول)
۲۹۷.....	خواجه سعدالدین محمد مستوفی ساوجی (مقتول)
۳۰۰.....	خواجه رشیدالدین فضل‌الله (مقتول)

صائن وزیر	۳۰۵
دمشق خواجه	۳۰۶
خواجه عبدالحی (مقتول)	۳۰۸
خواجه مسعود دامغانی (محبوس)	۳۰۹
فصل هشتم	۳۱۱

وزیران ایرانی در دوران تیموریان

خواجه قوام الدین نظام الملک خوافی (مقتول)	۳۱۳
خواجه نعمت الله سرخ (مقتول)	۳۱۴
خواجه عتیق الله	۳۱۵
خواجه امین الدین محمود (محبوس)	۳۱۵
خواجه عماد الاسلام (مقتول)	۳۱۶
خواجه نظام الدین احمد (مقتول)	۳۱۶
سید زین العابدین (مقتول)	۳۱۷
خواجه مجد الدین محمد بن خواجه غیاث الدین خوافی (مقتول)	۳۱۸
خواجه سیف الدین مظفر شبانکاره (مقتول)	۳۲۲
خواجه علاء الدین علی صانعی (محبوس)	۳۲۳
خواجه نظام الدین بختیار سمنانی (محبوس)	۳۲۴
خواجه برهان الدین عبد الحمید کرمانی (مقتول)	۳۲۴
خواجه نعیم الدین نعمت الله قهستانی (محبوس)	۳۲۶
خواجه شمس الدین محمد بن احمد شیرازی (معلول)	۳۲۶
خواجه معز الدین شیرازی (مقتول)	۳۲۷
خواجه اسماعیل خوجانی (محبوس)	۳۲۸
خواجه وحیه الدین محمود بن اسماعیل سمنانی (مقتول)	۳۲۸
خواجه غیاث الدین پیر احمد خوافی (مقتول)	۳۲۹
سید فخر الدین محمد (محبوس)	۳۳۰
خواجه غیاث الدین سالار سمنانی (مقتول)	۳۳۱

- ۳۳۲..... خواجه کمال‌الدین محمود شهاب (محبوس)
- ۳۳۳..... شیخ خسرو شاهی (مقتول)
- ۳۳۳..... جلال‌الاسلام (مقتول)
- ۳۳۴..... خواجه درویش احمد قابض (محبوس)
- ۳۳۷..... فصل نهم

وزیران ایرانی در دوران صفویه تا شاه عباس

- ۳۳۹..... شاه صفی
- ۳۴۰..... طالب‌خان اعتمادالدوله (مقتول)
- ۳۴۷..... سید علاء‌الدین حسین بن صدر کبیر
- ۳۴۸..... سید علاء‌الدین خلیفه سلطان اعتمادالدوله (معزول)
- ۳۴۹..... سید امیر عبدالباقی (مقتول در جنگ)
- ۳۵۰..... میرزا شاه حسین (مقتول)
- ۳۵۰..... خواجه جلال‌الدین محمد کججی (مقتول)
- ۳۵۳..... میر غیاث‌الدین، میرزا محمد وزیر (مقتول)
- ۳۵۴..... میرزا مخدوم شریفی (محبوس)
- ۳۵۵..... قاضی جهان سیفی قزوینی (محبوس)
- ۳۵۶..... میرزا جعفر ساوجی (مقتول)
- ۳۵۶..... میرزا عنایت‌الله (مقتول)
- ۳۵۷..... امیربیک معروف به مُهردار (محبوس)
- ۳۵۹..... معصوم بیک صفوی (مقتول)
- ۳۶۱..... میرزا سلمان جابری (مقتول)
- ۳۶۸..... میرزا محمد کرمانی (مقتول)
- ۳۷۱..... منابع

● مقدمه

شرح حال نویسی فردی یا نوشتن احوال دیگران یکی از رشته‌های فرعی تاریخ‌نگاری است که همواره مورد توجه دانشمندان و اهل تاریخ بوده است. این رشته فرعی خود به چند رشته دیگر تقسیم شده است. محققان در احوال شاعران، فقیهان، طبیبان، وزیران، شاهان، حاکمان و حکیمان رسائل باارزشی فراهم آورده‌اند. گاه در احوال شخصیت‌های بلاد و مناطق قلم‌فرسایی کرده‌اند و زمانی درگذشتگان سرشناسی که در یک منطقه مدفون هستند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این نوع تألیفات، آگاهی‌های بیشتری در اختیار محققان معاصر و زمان‌های بعد قرار داده‌اند که شمار آنها و معرفی ویژگی هر یک جایگاه دیگری می‌طلبد. کتاب حاضر با عنوان *وزیران ایرانی محبوس و مقتول* یکی از تألیفات کم‌نظیر است که اگر پایان پیدا می‌کرد و مؤلف فرصت اتمام آن را به دست می‌آورد، به گونه‌ای که دوره تاریخ معاصر ایران را هم در بر می‌گرفت، بی‌تردید یکی از گنجینه‌های نمایشگر استبداد و بی‌عدالتی در تاریخ سیاسی ایران محسوب می‌شد. انصاف حکم می‌کند همین مقدار فراهم آمده را گرامی دانست.

انگیزه نگارش و معرفی و توصیف این کتاب آموزنده را در چند بند کوتاه می‌توان به رشته تحریر درآورد.

الف. احوال و اندیشه‌های مؤلف

سید محمدعلی کشاورز صدر فرزند سید کوچک خان بهادرالملک، در سال ۱۲۸۵ شمسی، در یکی از توابع کمره به نام جعفرآباد متولد شد. پدرش از مجاهدان عصر مشروطه بود و در راه استقرار حاکمیت قانون همراه بختیاری‌ها در تسخیر تهران شرکت داشت. این امر نشان‌دهنده خاستگاه سیاسی - تاریخی مؤلف است.

در سال ۱۳۰۷ شمسی، پس از درگذشت مرحوم بهادرالملک، سید محمدعلی، فرزند او، به تهران آمد و در مدرسه ادب به تحصیل پرداخت؛ از همان زمان نوجوانی با روزنامه‌های کوشش و طوفان به مدیریت فرخی یزدی همکاری داشت و نویسندگی را از آن دوران آغاز کرد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدرسه حقوق، تحصیلات عالی خود را پایان داد و به مشاغل حقوقی و قضایی در اصفهان و تهران پرداخت.

پس از جنگ جهانی دوم و فراهم شدن آزادی نسبی و علاقه‌مندی به سیاست و خدمت به میهن و مردم، با اینکه نظامیان و عوامل ریشه‌دار دربار در لرستان قدرت داشتند، اما او به نمایندگی مردم در دوره پانزدهم و شانزدهم مجلس شورای ملی در خرم‌آباد انتخاب شد و اندک‌اندک در سیاست و سیاست‌مداری خط اصیل نهضت ملی ایران را تشخیص داد و با روان‌شاد دکتر محمد مصدق آشنایی بیشتری پیدا کرد و تا پایان عمر بابرکت خود در این طریقت استقلال‌طلبانه و عدالت‌خواهانه باقی ماند.

بر پایه اسناد تاریخی و مذاکرات مجلس شورای ملی، کشاورز صدر در زمره نمایندگان بود با جرئت، آشنا به کار نمایندگی و مسائل پارلمانی و خط‌دهنده به امور مجلس. چهارده سخنرانی از او در مجلس پانزدهم و سی‌وهشت سخنرانی در مجلس شانزدهم ثبت و ضبط شده است که بخش عمده آنها در مجلس پانزدهم: مخالفت با حکومت نظامی، دفاع از حقوق

کشاورزان، اصلاح وضع مسکن مردم، آموزش و پرورش، آزادی، مبارزه با قاچاق، صرفه‌جویی در بودجه دولت، منع ورود اتومبیل به کشور و در مجلس شانزدهم: تقسیم املاک بین رعایا، مالیات املاک مالکان بزرگ، دفاع از حقوق کشاورزان و کارگران، آموزش و پرورش اجباری هنگام کوچ عشایر، دفاع از حق مالکیت ایران در بحرین، آزادی مطبوعات، منع واردات غیرضروری، کم شدن حقوق سناتورهای، دفاع از ملی شدن صنعت نفت (دفعات متعدد)، ضدیت با قرارداد گس - گلشائیان، حق حاکمیت و استقلال ملت ایران در دیوان داوری لاهه، در اختیار گذاشتن دوازده میلیون لیره به دولت دکتر مصدق، اجرای قرارداد ملی شدن صنعت نفت، قانون کار و بهداشت کارگران، تقلیل حقوق نمایندگان و سناتورهای، ملی شدن صنعت نفت و مسافرت دکتر مصدق به امریکا و لغو قرارداد ۱۹۳۳.

مجموعه سخنرانی‌ها نشان‌دهنده هوش و زبردستی و اندیشه ملی و اصلاحات و رفاه مردمی و استقلال‌طلبی و دموکراسی و عدالت‌خواهی کشاورز صدر در دو دوره نمایندگی در مجلس شورای ملی است.^۱

در دوره هفدهم به علت دخالت نظامیان و تحریکات دربار نتوانست در مجلس حضور پیدا کند، ولی در مسند استانداری تهران (آبادانی شهر) و استانداری گیلان (ملی شدن شیلات و خلع ید) و استانداری اصفهان (مقاومت شجاعانه تا غروب روز ۲۸ مرداد) انجام وظیفه کرد، به زندان افتاد و مدت‌های مدید در سلول و بی‌خبر از احوال خانواده بود، اما از اخبار، کشتن و سوزاندن کریم پور شیرازی، روزنامه‌نگار دلیر و شکنجه‌زندانان، اعدام‌ها، به ویژه اعدام شهید نامی نهضت ملی ایران دکتر سید حسین فاطمی بی‌خبر نماند و شاید همین وقایع او را به اندیشه نوشتن کتاب حاضر ترغیب کرده باشد.

۱. روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران. مدیر روزنامه، محمد هاشمی، سال‌های ۱۳۲۹ - ۱۳۳۰.

مبارزات او پس از زندان، در جریان نهضت مقاومت ملی و جبهه ملی، او را در زمره رهبران کاردان مبارزات جبهه ملی سوم قرار داد و صمیمیت بی‌تظاهر و بی‌ریا و خالصانه او با دکتر مصدق، فضیلت‌مندی او را هماهنگ با شجاعت خاص و پیگیری‌های مبارزاتی‌اش به راستی در جایگاه بالای ناسیونالیسم دموکراتیک ایران قرار داد و نگارش کتاب حاضر با همه رویدادهای یادشده بی‌تردید پیوند پیدا می‌کند. خوانندگان با خواندن کتاب به این امر آگاهی حاصل خواهند کرد.^۱

ب. جایگاه ادبی و فرهنگی مؤلف کتاب

مرحوم کشاورز صدر از دوران نوجوانی، بدان‌سان که اشاره شد، با کتاب و نگارش مقالات در جراید پیشرو در آن روزگار آشنایی داشته است و تحصیلات او در رشته حقوق، پایه و مایه‌ای منطقی و قاعده‌مند به او داده است. او در مسیر تحقیقات و مطالعات خود هم در تاریخ اسلام به ویژه با تاریخ ایران آشنایی یافته و هم در ادب فارسی، نظم و نثر، احوال شاعران و اثرآفرینان وطن خود تخصص کم‌نظیری به دست آورده است. کتاب‌های او نشان‌دهنده وسعت اطلاعات وی در پهنه‌های گوناگون فرهنگ است. این امر با آشنایی اندک و بررسی آثار گران‌سنگ او چون مکتب سعدی، کریم‌خان‌زند، اشعار کلیم کاشانی، از رابعه تا پروین (که آغازگر شناخت شاعران زن در تاریخ ادبیات فارسی است) و کتاب‌های حقوقی و قضایی چون: آیین و رویه دادرسی مدنی، آیین و رویه کیفری، قوانین مربوط به دیوان کیفری، طریق فوق‌العاده رسیدگی به امور مدنی رقم خورده است.

۱. برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به: کشاورز صدر، محمدعلی (۱۳۹۳). زندگی و خاطرات سیاسی.

به‌اهتمام دکتر علی حاج یوسفی و بیژن کشاورز صدر. تهران: نشر علم، صص ۲۷۴ - ۲۸۱.

ناگفته نماند که شادروان کشاورز صدر از قریحه هنری و ادبی نیز برخوردار بود و در خلوت، اشعار نغزی سروده است که قدرتمندی او را در این «متن شریف» نشان می‌دهد.

وزیران محبوس و مقتول

کتاب حاضر به همان سان که در آغاز این گفتار آمد، از آثار کم‌نظیر در تاریخ اجتماعی ایران است. شادروان کشاورز صدر پس از کودتای ۲۸ مرداد، با رهایی از زندان و خانه‌نشین شدن، خدمات ملی خود را به جامعه از طریق مطالعه و تحقیق و تهیه کتاب و نشر آن استمرار بخشید که بی‌تردید در تصمیم‌گیری او اوضاع زمان از جمله حبس دکتر مصدق، دکتر صدیقی، آقای لطفی، دکتر شایگان و دیگر مبارزان نهضت ملی ایران و اعدام بزرگ‌مردانی چون دکتر سیدحسین فاطمی، وزیر امور خارجه دولت ملی و دیگر مبارزان استقلال‌طلب و آزادی‌خواه آن روزگار چون کریم پورشیروزی و دیگر محبوسان آشنا، تأثیرات روانی و اجتماعی ایجاد کرده است.

نگارش وقایع دل‌خراش تاریخی زندان‌ها و شکنجه‌ها و هلاکت‌ها و حوادث مربوط به آن بی‌فصلیتی‌ها، به عقیده او درس عبرتی برای آیندگان است. اسلوب حکومت‌ها و رژیم‌های گوناگون در تغییر و تطور است. اما در عمل می‌بینیم سرنوشت گذشتگان برای آیندگان سرمشق نمی‌شود یا اگر تأثیری بخشیده، ناچیز بوده است. خصوصاً در حکومت فردی استبدادی، چوبه دار به صندلی‌های برقی برای کشتن و زندان، چاه و سرداب به سلول‌های تنگ و تاریک تبدیل شده است. اخلاق و طرز تفکر بشر به موازات پیشرفت‌های تمدن ظاهری پیشرفت نکرده است. آلمانی‌ها در قرن بیستم یهودیان را در کوره‌های آتش می‌سوزاندند و امریکایی‌ها برای حفظ سلطه خود بر دنیا، زنان و کودکان ویتنامی دلیر و ازخودگذشته را

گروه گروه به فجیع ترین وضع می کشند که با فجایع قرون وسطی فرق چندانی ندارد.

شادروان کشاورز صدر، این کتاب با ارزش را با سه منظور نوشته است که بی تردید با زندگی و تجربیات سیاسی و آموخته های تاریخی وی پیوند مستقیم داشته است.

اول اینکه احوال گذشتگان به ویژه وزیران و امیران که خدمتگزار جامعه بوده و جان خود را در این راه نهاده اند که بر مردم زمانه جز بر اهل تاریخ آشکار نیست.

دیگر اینکه برای ایجاد تحول در اندیشه و تصمیم گیری مردم در مسیر عدالت و میهن دوستی و آشنایی آنان بر گران قدران تاریخ ضروری است و سه دیگر نسل حاضر باید بداند که نظام سیاسی چگونه است و خلافتکاری و جنایت پیشگی به چه شیوه هایی رواج داشته است و چرا دموکراسی و حاکمیت ملت در عصر ما والایی و اعتبار پیدا کرده است و چرا آشنا کردن نسل کنونی و اصول و استقلال طلبی و آزادی خواهی و عدالت گری، رسالت تاریخی دارد.

برداشت های ویژه

شادروان کشاورز صدر در کتاب *وزیران محبوس و مقتول* به چند محور معرفتی تکیه دارد:

الف. در تمام فصول کتاب استقلال ایران برای وی اساسی ترین امر تاریخی است و ایرانیان را همواره دارای هویت ویژه ملی و فرهنگی می داند.
ب. به اسلام و حکومت قرآنی و تشیع به دور از تعصبات عامیانه زیان بخش اعتقاد دارد.

ج. برآمدن عباسیان را نتیجه تلاش های ایرانیان دانسته، درحالی که به دفاع از آل علی اشارات زیادی کرده است.

د. کشته شدن ابومسلم خراسانی سردار رشید ایرانی، شهادت حضرت امام رضا (ع) و قلع و قمع خاندان برمکیان را از سیاست‌های شوم و ضدایرانی خاندان عباسی دانسته است و به هیچ‌وجه رفتار خلفای این سلسله را منطبق با قوانین اسلامی نمی‌داند.

ه. نهضت‌های استقلال‌طلبانه ایرانیان را به ویژه از زمان هارون‌الرشید تا زمان فتح بغداد امر مستمر در تاریخ اجتماعی ایران دانسته و «احیای سنت متروک‌شده ملی را از لوازم استقلال شمرده است».

و. قتل خواجه عبدالحمید وزیر به دست منصور دوانیقی دومین خلیفه عباسی را جنایتی آشکار بر ضد عزت نفس و شرافت انسانی دانسته است.
 ز - محاکمه افشین را (با آشنایی به امر قضا) واقعه‌ای قلبی و ساختگی دستگاه خلافت دانسته است.

ح. تبیین قیام‌ها و جنبش‌های ضدعباسیان را حرکتی «برای کوتاه کردن دست اجنبی‌ها و به چنگ آوردن استقلال و آزادی ایران» دانسته و حکومت خلفا را «حکومت استعماری عرب» معرفی کرده و مخالفت‌های ایرانیان با عباسیان را «شانس قطع دست استعمار عرب از سر ایران» دانسته است. داوری‌هایی از این نوع به درستی اثرات سیاسی زمان حیات مؤلف است که از ذهن تاریخی وی در شناخت مبارزات آن روزگار بروز کرده است و گاه شدت هم یافته و برداشت‌هایی چون «مخالفت مردم با حکومت فردی و استعماری خلفای عباسی»، «ماسک ایران‌دوستی مأمون» «تمایلات عامه به شرکت در سرنوشت خود [در شکست دادن عباسیان]» تجلی یافته است.

تکیه بر چند واقعه تحلیلی

الف. «شخصیت و عزم و اراده آفت صاحبان این صفات [خدمت به مردم کشور] بوده و هنوز هم هست. هر قدر عزم و اراده و زیری ثابت تر و شخصیتش برجسته تر باشد، به همان نسبت به آفت و خطر نزدیک تر است. ابوالفضل بلغمی هم دچار این وضع بود.»

ب. «علاوه بر علل و جهات سیاسی موجبات دیگری مانند جاه طلبی و رقابت شخصی و طمع ورزی، جلوگیری [بعضی از وزیران نیکو خصال] از حیف و میل اموال دولت سبب قتل و حبس وزیران شده است.»

ج. «حتی در مردان کنونی [اثرات زمان نگارش کتاب] اگر وزیرانی مانند ابوالفضل محمد بن حاکم یافت شدند که حفظ حقوق و خزانه عمومی را بر جلب رضایت افراد طماع ترجیح دهند، بی شک با مخالفت ها و خطرانی روبرو می شوند و چه بسا جان خود را در این راه بگذارند» [ظاهراً اشاره به امیر کبیر].

شادروان کشاورز صدر از این حد نیز جلوتر رفته و آشکار نوشته است: د. «در دوره غزنویان که نزدیک ۱۸۰ سال دوام داشت، ده تن به وزارت منصوب شدند؛ از ابوالعباس فضل بن احمد اسفراینی شروع و به عبدالحمید بن احمد بن عبدالصمد ختم می شود.

از این ده تن وزیر که بی شک در عالم خود برای مملکت و وطنشان ارجمند بودند و شخصیت برخی از آنان مانند خواجه بزرگ احمد بن حسن میمندی بسیار کم نظیر بوده است، پنج تن کشته و دو تن زندانی شده اند و یک تن را نابینا کرده اند و بعید نیست دو تن باقی مانده هم به سرنوشت دیگران دچار نشده باشند و تاریخ آن را ضبط نکرده و یا در دست ما قرار نگرفته باشد.»

ه. «دیکتاتوری و استبداد قاعده و ضابطه‌ای ندارد و پایه آن بر تهدید و اکراه و زورگویی و آدمکشی استوار شده است [رشد قدرت مخرب].
 خواجه نظام‌الملک به تحریک تاج‌الملک و ملک‌شاه کشته شد. پنج فرزند او با نام‌های فخرالملک، مؤیدالملک، ضیاءالملک (نظام‌الملک دوم)، عزالملک [احتمالاً به مرگ طبیعی مرد] و شمس‌الملک همه کشته شدند.
 و. «به‌نظر، نگارش و نقل این قبیل وقایع تاریخی برای استحضار نسل کنونی و عبرت صاحبان قدرت و زمامداران بسیار مفید است، ولی افسوس که غرور و بلندپروازی‌های خودخواهانه چنان چشم و گوش‌ها را می‌بندد که حتی مصالح شخصی خود را هم از یاد می‌برند» [رشد قدرت تخریبی علاوه‌بر ازخودبیگانه کردن کار به دستان جامعه، موقعیت انسانی آنان را هم به تخریب می‌کشد].

ز. مؤلف کتاب در حین بیان جنایت‌های صاحبان قدرت، اشتباه‌کاری مظلومان را فراموش نمی‌کند. با آنکه همانند استاد بزرگ بیهقی، از حسنک وزیر دفاع می‌کند و بر او همانند دیگر ایرانیان آشنا به تاریخ دل می‌سوزاند، با آنکه نسبت به حسنک وزیر حسن نیت دارد، اما مخالفت او را با خواجه‌بزرگ احمدبن حسن میمندی، تقبیح می‌کند. در کتاب مزبور نکته‌ها و اشاره‌های جالب سیاسی و تاریخی بسیار وجود دارد که به دلیل کوتاه کردن مقدمه به همین مقدار بسنده می‌شود.

حاصل سخن

شادروان سیدمحمدعلی کشاورز صدر در خاطرات خود آورده است:
 نگارنده از قسمتی از این یادداشت‌ها را که اکنون آمده است و به دلیل سرگذشت وزیران ایرانی محبوس و مقتول از هنگامی که ایران به تصرف مسلمانان عرب درآمد تا پایان سلطنت ناصرالدین شاه که آخرین دوران

استبدادی بوده است، تا آنجا که تاریخ ضبط کرده و با توجه به اینکه از حقایق تاریخی خارج نشوم، با قلم ناتوان و اندیشه محدود خود به رشته تحریر درآورد و در مجله خوشه به تدریج در دسترس خوانندگان گرامی می‌گذارد و به خواست خداوند یکتا هروقت که چاپ این قسمت در مجله خوشه تمام شد آن را جداگانه به صورت کتاب منتشر خواهم نمود و مطلب را ادامه خواهم داد.^۱

متأسفانه انتشار مقالات در مجله خوشه متوقف شد و نگارش تاریخی مؤلف نیز فقط تا نیمه‌های سلطنت صفویه استمرار یافت و اینک تحت عنوان وزیران محبوس و مقتول با تغییرات اندک (اما لازم) انتشار پیدا می‌کند.

اهل تحقیق آگاهی دارند که نهاد وزارت در حکومت‌های نخستین اسلام پدید نیامده بود. بعد از آشنایی تازیان با فرهنگ و نهادهای حکومتی ایران و صبغه سلطنتی پیدا کردن خلافت بنی‌امیه، مروان بن محمد بن مروان (مروان حمار) آخرین خلیفه سلسله بنی‌امیه، خواجه عبدالحمید نخستین ایرانی کاردان به مقام وزارت رسید و در آغاز خلافت عباسیان بدان‌گونه که اشاره شد، به دست منصور دوانیقی به هلاکت رسید.

مؤلف فاضل و تاریخ‌شناس طی ادوار تاریخی پس از بیان زندگی و خدمات وزیران برجسته ایرانی، از درگیری‌ها و تضادهای کاربه‌دستان حکومت‌ها و قدرت‌طلبی‌های تخریبی آنها سخن به میان می‌آورد و به روشنی تمام علت‌های اجتماعی و سیاسی دستگیری وزیران و قتل آنها و مصادره اموال و اجحاف‌های غیراخلاقی با خاندان‌های آنها را به رشته تحریر می‌کشد و به گمان وی سعایت و حسادت رقیبان و تصرف بیت‌المال و رشوه‌گیری آنان و گاه جنون آدم‌کشی پایه‌های اصلی استبداد و حاکمیت

۱. مجله خوشه. مورخ اسفند ۱۳۳۴. ص ۲۱ به نقل از زندگی و خاطرات سیاسی. صص ۲۵۹ و ۲۶۰.

قدرت آنها بوده است و حرکات شنیع آنان از فرهنگ و مدنیت ایرانی و تعالیم اسلامی و قرآنی همواره به دور بوده است. مرحوم کشاورز صدر این کتاب را در دوران ممنوعیت حرکت‌ها و فعالیت‌های سیاسی در ایران دوره محمدرضاشاه نوشته است. بی‌تردید اوضاع آن روزگار و بدکرداری‌های نظام حاکم در کارشکنی‌های استبدادی بیگانه خاصه علیه زمامداری ملی دکتر محمد مصدق در تحلیل‌ها و نگارش وقایع و کاربرد واژه‌ها و اصطلاحات سیاسی و اجتماعی دوره‌های متأخر در بیان اوضاع سلف نشان‌دهنده شیوه تاریخ‌نگاری او بوده است. به این امر پیش‌تر هم اشاره شد.

شادروان کشاورز صدر با عشق به ایران و استقلال تامه کشور و شیفتگی به آزادی و دموکراسی و عدالت خواص و علاقه‌مندی خاصی به دکتر مصدق، زندگی فضیلت‌مندانه خود را تا ۲۵ تیر ۱۳۵۳ خورشیدی ادامه داد و با کمال تأسف مقامات استبدادی از برگزاری مجلس ختم و بزرگداشت او ممانعت کردند. همچنان که از برگزاری مجالس بزرگداشت و ترحیم دکتر مصدق هم جلوگیری به عمل می‌آمد. اما همواره تجلیل دکتر مصدق در نامه‌ای از وی در تارک تاریخ نهضت ملی ایران باقی خواهد ماند:

«افسوس که مملکت رجال فداکار نظیر جناب‌عالی کم دارد.»

جا دارد در پایان از دوست بزرگوار هوشنگ کشاورز صدر فرزند مرحوم سیدمحمدعلی کشاورز صدر یاد کنم که در تمام دوران حیاتش با اندیشه استقلال ایران و آزادی و رفاه و سربلندی مردم و عدالت‌خواهی همانند والدش زندگی را به پایان رساند و همچنین از فرزند دیگر شادروان سیدمحمدعلی کشاورز صدر، بیژن کشاورز صدر، نام آورم که خلاقاً و خلقاً، همانند پدر بزرگوارش انسان آرمان‌خواه و پرتلاشی است و در زنده کردن نام پدر و انتشار آثار وی صمیمانه کوشش می‌کند. چاپ کنونی این کتاب به همت وی انجام یافت و نگارنده اگر خدمتی را به ثمر رساند، به احترام

مؤلف و وفاداری او به نهضت ملی ایران و استمرار شیوه حیاتی و مبارزاتی وی توسط فرزند عزیزش هوشنگ کشاورز صدر و ارادت خاص به آقای بیژن کشاورز صدر است که اخلاق و کردارش نمونه معنوی و فرهنگی آموزش در آن خاندان گرامی است که ریشه در آرمان استقلال و آزادی ایران و رفاه و سربلندی و زندگی عادلانه مردم آن دارد.
یا رب این قافله را لطف ازل بدرقه باد.

تهران، ۱۳۹۶

ناصر تکمیل همایون

فصل اول

وزیران ایرانی محبوس و مقتول

از حاکمیت امویان تا پایان دوران عباسیان

● آغاز سخن

چون برای نسل کنونی و فرزندان آینده و جلوگیری از لغزش‌هایی که در نتیجه نداشتن تجربه، زیان‌های جبران‌ناپذیر شخصی و عمومی برای افراد و کشور به بار آورده و می‌آورد؛ تنها مطالعه در احوال گذشتگان و وقوف بر سرگذشت پیشینیان می‌تواند سودمند باشد، مکتب تاریخ است که می‌تواند به افراد و هیئت اجتماع درس عبرت دهد و بصیرت بر احوال گذشتگان است که راهنمای آیندگان خواهد شد. نگارنده در این ایام که اشتغال نداشتن به کارهای دولتی فرصتی مغتنم داده است، بر آن شد که یادداشت‌هایی از سرنوشت وزیرانی که مقتول یا محبوس شده‌اند، تهیه و در دسترس مطالعه هم‌میهنان عزیز قرار دهد. انتخاب موضوع از آن روست که:

اولاً در این باره کمتر چیزی نوشته شده و شاید بیشتر از مردمان با سواد کشور چگونگی کشته شدن و به زندان افتادن وزیران را در طول تاریخ نمی‌دانند و یا لاف‌ل و جهات و کیفیت و خصوصیات این نکته برجسته تاریخی بر اغلب مردم مکتوم است.

ثانیاً این مطالعه تاریخی ممکن است احساسات میهن‌دوستی نسل حاضر و آینده را با خواندن شرح حال وزیرانی که در راه مصالح وطن خود و اجرای حق و عدالت در مقابل حکومت‌های اجنبیان، مانند عرب و مغول و ترک و تاجیک، تا پای جان ایستادگی کرده‌اند، تحریک کند و حس انزجار و عبرتی از خیانت و نادرستی و بیدادگری وزیری که جان خود را فدای هوا و هوس کرده است در خوانندگان به وجود آورد.

ثالثاً ملاحظه این نکته تاریخی به میزان زیادی خوانندگان را به سیستم حکومت‌های پیش از رژیم مشروطه و دموکراسی در قرون و ادوار گذشته و طرز قضاوت و حدود و اختیارات متصدیان حکومت آشنا می‌کند و زشتی‌ها و خوبی‌های آنها روشن می‌شود و این خود اصولاً با ارزش و سودمند است. نگارنده در قسمتی از این یادداشت‌ها که اکنون آماده است، به ترتیب، سرگذشت وزیران مجبوس و مقتول را از هنگامی که ایران به تصرف مسلمانان عرب درآمد تا پایان سلطنت ناصرالدین‌شاه که آخرین پادشاه دوران استبدادی بوده است، تا آنجا که تاریخ ضبط کرده و با توجه به اینکه از حقایق تاریخی خارج نشود، با قلم ناتوان و اندیشه محدود خود به رشته تحریر درآورده و در مجله خوشه به تدریج در دسترس خوانندگان گرامی می‌گذارد و به خواست خداوند توانا هر زمان که چاپ این قسمت در مجله خوشه تمام شد، آن را جداگانه به صورت کتاب منتشر خواهم کرد و مطلب را ادامه خواهم داد.

خواجه عبدالحمید، وزیر مقتول

پیش از نوشتن سرگذشت نخستین وزیری که از کرسی وزارت به زندان رفت و از آنجا به دست دژخیم سپرده و به دیار نیستی رهسپار شد؛ این نکته را باید گوشزد کرد که قبل از بنی‌امیه، در دستگاه خلافت اسلامی عنوان وزارت وجود نداشت و هنگامی که خلفای بنی‌امیه خلافت را به شکل سلطنت ساخته و پرداخته کردند، عنوان وزارت که می‌توان گفت از قواعد و رسوم تشکیلاتی ایران اقتباس شده است، پیدا و به دنبال آن تشریفات و رسوم دیگر سلطنتی پیرایه دستگاه خلافت شد.

خواجه عبدالحمید، وزیر مروان بن محمد بن مروان معروف به حمار، آخرین خلیفه اموی است. تواریخ این وزیر را در فضل و کمال و دانایی سرآمد اقران و امثال خود قلمداد کرده و نوشته‌اند در نویسندگی و علم انشا استاد بوده و منطقی قوی داشته، چنان‌که با نامه‌ای نقشه حریف را نقش بر آب می‌کرده و با قدرت خامه شمشیر خصم را از کار می‌انداخته است؛ سرانجام نیز جان خود را بر سر همین نبوغ و استعداد نهاد.

شخصیت و توانایی این وزیر و بیم و نگرانی از قدرت و وسعت اندیشه او سبب شد که پس از سقوط خلافت بنی‌امیه و جلوس عباسیان بر مسند خلافت، او را به زندان افکندند و در زمان ابوجعفر، معروف به منصور دوانیقی، دومین خلیفه عباسی به زندانی بودن وی قناعت نشد و ابوجعفر خواجه را که به جرم وزارت مروانیان زندانی بود، به حضور خود طلبید و عزم کشتن او را کرد. خواجه عبدالحمید به خلیفه گفت: از خون من درگذر، زیرا در عالم مانند من مترسلی کم توان یافت. ابوجعفر جواب داد: آری تو آن کسی که به نامه‌ای هنگامه‌ای را به سر می‌شکستی و به تدبیری ابواب سهولت و مهمات را بر ما می‌بستی، و فرمان قتل او را صادر کرد و به موقع اجرا درآمد و وی را کشتند. این وزیر گذشته از داشتن استعداد و دانش و

لیاقت از اخلاق و عزت نفس و شخصیت و بلندنظری، بهره کافی و سرمایه کلان داشته است؛ چنان‌که هنگام طلوع دولت عباسیان و روزی که در ارکان بنیان مروانیان تزلزلی راه یافته بود، مروان حمار به خواجه عبدالحمید تکلیف کرد که به صورت فراری به دستگاه عباسیان پناه برد و به نزدیکی آنان تظاهر کند و محرمانه و سری جریان احوال و نقشه کار رقیب را گزارش دهد و خلاصه به وزیر صاحب شخصیت خود تکلیف جاسوسی کرد. خواجه به جد از قبول این مأموریت ننگین سر باز زده، پاسخ داد: اگر خود را به دستگاه عباسیان نزدیک کنم و طرف اعتماد قرار گیرم، بر ضد آنان قلم و قدمی برنمی‌دارم و خلیفه نباید راضی شود وزیرش ولو به نفع دستگاه مخدوم خود تن به جاسوسی و خیانت دردهد و همین استدلال مروان را قانع کرده عذرش را پذیرفت. این جسارت اخلاقی آن هم از وزیری در دوران حکومت مطلقه، دلالت بر قدرت اراده و بلندی پایه اخلاق آن وزیر دارد؛ زیرا بسیار اتفاق افتاده که چون و چرا در برابر اراده و فرمان خلفا و سلاطین، ولو هرچه غیرمنطقی و مذموم می‌بود، جان وزیر ممتنع را در خطر می‌انداخت. خواجه عبدالحمید اگر نزدیک شدن به عباسیان را می‌پذیرفت و از حریم عزت نفس و شرافت طبع تجاوز می‌کرد و از طریق راستی و ثبات عقیده منحرف می‌شد، بی‌شک جان خود را از دست نمی‌داد و به ظن غالب کرسی وزارت و مقام و منصب ظاهری را حفظ می‌کرد، ولی مانند بسیاری از مردمان ضعیف النفس و کوتاه‌نظر یا نامی از او باقی نمی‌ماند یا نامش به زشتی و آلودگی در فهرست سیاه تاریخ ثبت می‌شد.

ابوسلمه، پسر سلیمان خلال، معروف به وزیر آل محمد (مقتول)

هنگامی که ظلم و جور و بی‌عدالتی و تجاوز خلفای بنی امیه آشکار و انحراف آنان از تعلیمات قرآن و اصول و قواعد اسلام، از پرده بیرون افتاده بود و

فصل اول ۳۱/

مروان معروف به حمار، آخرین خلیفه اموی، مست باده غرور و غرق در دریای هوا و هوس بود؛ جوانی با دانش و بینش که عشق به حقیقت و ایمان به اسلام شعله خاموش نشدنی از محبت آل علی (ع) در دل او افروخته بود، در یکی از محلات کوفه، همان شهری که مردمش ننگ نفاق و بی وفایی را با بزرگترین مجاهد آزادی بشر و رشیدترین پیشوایان اسلام حسین بن علی (ع) بر خود روا داشتند، به طرح نقشه برانداختن خلافت بنی امیه و بنیان گذاری حکومت اولاد علی صرف وقت می کرد و خواب و خوراک را در اجرای تصمیم خلل ناپذیر خویش بر خود حرام کرده بود. از یک طرف با نفوذ و تأثیر کلامی که داشت بیدادگری و نامسلمانی مروانیان و اجرا نشدن احکام اسلام را به چشم مردم کوفه و رؤسای قبایل عرب می نمایاند و آنان را سرزنش می کرد و می گفت گناه محروم شدن اولاد علی که برقراری حکومت حق و حقیقت جز با دست آنها امکان پذیر نیست و روی کار آمدن بنی امیه که جز بیدادگری راه و رسمی ندارند، به گردن شما مردم کوفه است که خود را مسلمان می دانید و از این راه مردم را بر ضد خلافت اموی برمی انگیزخت و خونشان را به جوش آورد.

از طرف دیگر با ایرانیان که برای به دست آوردن استقلال و خالی کردن شانه از زیربار حکومت عربی کارد به استخوانشان رسیده و بی تاب بودند، ارتباط پیدا کرد و به ابو مسلم خراسانی که دسته های استقلال طلبان و قیام کنندگان را سرپرستی می کرد، تلقین کرد شما که هم اسلام را می خواهید و هم استقلال ایران را طالبید، راه منحصر سقوط حکومت بنی امیه و نشانیدن علویان بر جای ایشان است و تشویق و راهنمایی می کرد که قوای استقلال طلبان نخست شهرهای مرکزی و غربی ایران و سپس شهرستان های عراق عرب را یکی پس از دیگری اشغال کنند. ابو سلمه آن قدر ثبات و استقامت در این راه به خرج داد تا حکومت اموی را سرنگون کرد و دستگاه